

شناسایی عوامل تأثیرگذار بر حضور و مشارکت زنان در فضای شهری از منظر حق به شهر

دریافت مقاله: ۹۶/۸/۳۰

پذیرش نهایی: ۹۶/۱۲/۲۵

DOI: 10.29252/geores.33.1.95

چکیده

یکی از ابعاد دموکراسی، فضاهای عاری از قدرت، پاسخگو و پذیرای همه آحاد جامعه است. مقوله قدرت در فضا وجوه مختلفی را شامل می‌شود. از این‌روی روابط زنان و مردان در شهر را می‌توان با نظریه‌های قدرت و نابرابری اجتماعی تحلیل نمود. سازوکار روابط میان زن و مرد، فرایندهای قدرت و سلطه در تصمیم‌گیری و بهره‌مندی از فضا، طراحی و شیوه‌های اعمال محدودیت در فضا بر حضور، رفتار و ماهیت فضاهای عمومی شهری اثرگذار است. در این پژوهش تلاش می‌شود ابعاد حق به شهر در فضای شهری از منظر زنان مورد واکاوی قرار گیرد. با توجه به ماهیت موضوع، پرداختن به مسئله حضور و مشارکت از منظر حق به شهر و نه صرفاً ابعاد کیفیت فضای شهری از وجوه نوآوری این تحقیق به حساب می‌آید. برای این منظور از طریق پرسشنامه و مصاحبه اقدام به جمع‌آوری داده‌های موردنیاز شد. نوع تحقیق کاربردی بوده و تحلیل‌ها از طریق کمی‌سازی داده‌های کیفی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت می‌گیرد. بر این اساس دودسته سنجه‌های معطوف به الزامات حضور و مشارکت زنان و تنوع حضور و مشارکت زنان در فضای شهری مورد پرسش قرار گرفت. بر اساس نتایج مشخص شد که اولاً، امتیاز سنجه‌های متناسب به حق به شهر (که بیانگر الزامات حضور و مشارکت زنان در فضای شهری است) بیشتر از امتیاز سنجه‌های متناسب به حق تفاوت (که بیانگر ضرورت وجود طیف متنوعی از زنان در فضا است) می‌باشد. ثانیاً، میان متغیرهای سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و مدت‌زمان اقامت در فضا با حق به شهر ارتباط معناداری وجود دارد. در بیشتر سؤالات، زنان پاسخگو به این موضوع اذعان کرده‌اند که برای حضور در فضاهای عمومی محدودیت‌های جدی مواجه هستند. با استفاده از تحلیل مسیر برای عوامل مرتبط با احساس حق به شهر و مشارکت زنان مشخص شد دو سنجه تنوع حضور افراد باهدف گذران اوقات فراغت، فضاهای ویژه زنان کمترین تأثیر را دارند. از سوئی دیگر، چهار سنجه تنوع فعالیت‌های جاری در فضا، امنیت، روشنایی مناسب فضا در شب و عدم وجود فضاهای پنهان، تنوع حضور افراد (باهدف خرید) بیشترین تأثیر را در حق به شهر و احساس مشارکت زنان دارا است.

واژگان کلیدی: حق به شهر، حق تفاوت، زنان، فضای شهری، منطقه ۲۲ شهر تهران

مقدمه

یکی از ابعاد دموکراسی، فضاهای عاری از قدرت، پاسخگو و پذیرای همه آحاد جامعه است. مقوله قدرت در فضا وجوه مختلفی را شامل می‌شود. حضور و فعالیت زنان یکی از مواردی است که جامعه‌شناسان در پیگیری مباحث دموکراسی و قدرت روی آن متمرکز شده‌اند. با در نظر گرفتن حقوق شهروندی کثرت‌گرا در جامعه مدنی امروز و رویکرد عدالت محور در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، زنان شرایطی برابر با مردان را از نظر حضور در فضای شهری مطالبه می‌نمایند. زنان در جامعه امروز ایران وارد

عرصه‌های مختلف علمی و فنی و سیاسی و... شده و حضور خود را در تمام عرصه‌ها به اثبات رسانده‌اند. بنابراین حضور زنان در شهر و فضای شهری امری اجتناب‌ناپذیر است (رضازاده، ۱۳۸۹: ۲۸). بررسی تاریخی حضور زنان در فضاهای شهری در ایران نشان می‌دهد این فضاها تا پیش از مدرنیته، غالباً تک جنسیتی و مردانه بودند و حضور کم‌رنگ زنان را شاهد بوده است (Najmabadi, 2005: 152). با ورود مدرنیته، نقش، عملکرد و انتظارات از فضاهای عمومی تغییر نمود و عملکردهای جدیدی همچون تماشاخانه، سینما، چاپخانه، هتل، مغازه‌هایی به سبک فرنگی، باغ ملی، باغ وحش و... به شهر اضافه شد (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۳۷). همچنین تغییراتی در نوع پوشش و زبان زنان به وجود آمد و در نتیجه فضاهای عمومی آماده پذیرش حضور زنان در کنار مردان شدند (Najmabadi, 2005: 152).

بعد از انقلاب همگرا شدن ارزش‌های سنتی خانواده با ارزش‌های اجتماعی و مشروعیت حضور و فعالیت اجتماعی و اشتغال زنان خارج از خانه، تحولی دیگر در این عرصه به وجود آورد (Amirebrahimi, 2006). پس می‌توان گفت، امروزه فضاهای شهری ایران شاهد حضور و فعالیت گسترده زنان می‌باشد. البته این حضور با توجه به ویژگی‌های فردی و ساختارهای اجتماعی، در طیفی از حضور محدود و سنتی - در قالب جلسات زنانه و یا وابسته به همراهی اعضای خانواده - تا زنان ایدئولوژیک - باهدف تغییر در ساختار مردسالاری جامعه و اثبات استقلال زنان و حق حضور و فعالیتش در فضا - (حبیبی، پور شجاعی، ۱۳۹۴: ۲۵) قابل تغییر است. در این پژوهش این بحث که این فضاهای عمومی به چه میزان مناسب حضور و فعالیت زنان است مورد توجه قرار گرفته است. از این روی تلاش می‌شود به بررسی مشارکت و حضور زنان از منظر حق به شهر پرداخته شود و عواملی که در مشارکت آنان و ایجاد فضاهای قطبی، مردانه و قشربندی شده تأثیرگذار است را در منطقه ۲۲ شهرداری تهران، که منطقه‌ای جدید بوده است ارزیابی می‌شود.

مبانی نظری

حق یکی از مهم‌ترین مفاهیم در عرصه‌های اخلاق، حقوق، سیاست و فلسفه محسوب می‌شود که در قرن بیستم به‌طور گسترده‌ای مورد واکاوی قرار گرفته است. در این مقال دو مفهوم عمده "حق بودن"^{۹۹} و "حق داشتن"^{۱۰۰} قابل تفکیک است. "حق بودن" که در مقابل باطل و غلط قرار می‌گیرد، همواره در عرصه‌های فکری حضور داشته است. در چنین معنایی مفهوم حق به معنای راست و صادق به کار گرفته می‌شود. "حق داشتن" که می‌تواند در مقابل تکلیف قرار گیرد، محصول فکری جدیدی است که در پی تلاش‌های نظری و عملی آزادی خواهانه و برابری خواهانه انسان در دوران مدرن تولد یافته است (سلیمانی درچه، ۱۳۹۳: ۴، راسخ، ۲۲۹: ۱۳۹۲) بحث مفهومی از حق به شیوه‌ای دیگر نیز مورد توجه متفکرین قرار گرفته است. این بار پرسش بدین صورت طرح گردید که اساساً عناصر سازنده مفهوم حق کدامند؟ چه تعریفی از حق می‌توان ارائه داد که تمامی تعبیر یادشده را در بر گرفته و همه آن‌ها را به‌خوبی توضیح دهد؟ در پاسخ به این پرسش و به تدریج دو تئوری رقیب از سوی نظریه‌پردازان پیشنهاد شد: نظریه اراده انتخاب^{۱۰۱} و نظریه سود - منفعت^{۱۰۲} بر اساس نظریه اولی، حق یعنی اراده تضمین شده که جزء مقوم و گوهر حق وجود اراده آزادی است که می‌تواند بر اراده‌های دیگر قید زده و آن‌ها را مقید سازد. حال آن که بر اساس نظریه دوم، حق یعنی منفعت تضمین شده که در این معنی در راستای حفظ و حمایت از سود و منفعت مطرح می‌شود و باهدف تضمین یک منفعت بنیادین بر عهده دیگران تکلیف می‌گذارد (طالبی، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

99 Being right or just
100 Having right
101 Will- choice Theory
102 Interest- Benefit Theory

شناسایی عوامل تأثیرگذار بر حضور و مشارکت زنان در فضای شهری از منظر حق به شهر ۹۷/

ایده حق به شهر^{۱۰۳} را اولین بار هانری لوفور^{۱۰۴} جامعه‌شناس فرانسوی به کار برده است. لوفور باور داشت طبق منطق حق به شهر ساکنان شهر باید از حقوق یکسانی برخوردار باشند. فضا باید به گونه‌ای مدیریت شود که قدرت و نفوذ تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی نخبگان، سیاست‌مداران و صاحبان سرمایه محدود و به همه شهروندان و ساکنین اعطا شود. در واقع تصمیمات باید توسط افرادی گرفته شود که متأثر از تصمیم می‌باشند. بنابراین از نظر لوفور حق به شهر به کسی تعلق می‌گیرد که در شهر سکونت دارد و زندگی می‌کند (Lefebvre, 1996). لوفور تاریخ فضا را با حرکتی اجتماعی تاریخی، از فضای مطلق پیشا تاریخی به فضای انتزاعی سرمایه‌داری ترسیم می‌کند و بر این باور است که در نهایت تناقضات و شکاف‌های موجود در فضای انتزاعی سرمایه‌داری به چندبعدی بودن فضای دگرگون شونده منجر می‌شود. در این فضا است که دوگانه حق در قبال شهر (حق به شهر) و حق در قبال تفاوت (حق تفاوت)^{۱۰۵} محقق می‌شود (حبیبی، امیری، ۱۳۹۴: ۱۱).


جامعه‌شناسان و فیلسوفان متعدد در این مورد بحث نموده‌اند. این نظریات را می‌توان در دو سطح خرد (کنش متقابل نمادین و مبادله) و کلان (کارکردگرایی ساختی و ساختگرایی) تفکیک نمود. اما از اوایل دهه ۱۹۷۰ نظریه‌های ترکیبی جدیدی مطرح گردیدند که عمده‌تاً حاصل ترکیب دو سطح یادشده هستند. از این پس رویکردها به سمت ترکیب و تلفیق عامل و ساختار، خرد و کلان، فرد و جامعه، عینیت و ذهنیت و... گرایش یافته است. از این رهیافت می‌توان تلفیق و تعامل‌گرایی در نظریه اجتماعی را روندی تکمیلی در نظریه‌پردازی اجتماعی در مورد دو مفهوم اساسی فرد و جامعه، کنش و ساختار، شخص و نظام، سوژه و ابژه و... به‌ویژه در ربع قرن آخر بیستم دانست که تلاشی آگاهانه و هماهنگ در فرا رفتن از محدودیت‌های افراطی و دوقطبی در تبیین ساختاری-کنشگر است (گلایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۸). این رویکرد ترکیبی تفکرات و خاستگاه اندیشه ایده‌پردازی فضا در قرن ۲۱ را شکل می‌دهند. در جدول ۱ مهم‌ترین نظریه‌پردازان این عرصه معرفی شده است.

103 The right to city

104 Lefebvre, Henri

105 the right to the city and the right to difference

جدول ۱- نظریه‌های جامعه‌شناختی فضا با رویکرد ترکیبی

نظریه پرداز	ایده پردازى فضا	تبیین	بحث
هانری لوفور	محصول اجتماعى	ظرفى از کنش در بستر زندگى جمعى نظم زمانى پدیده‌ها	ایدئولوژى ← خلق فضا ← تولید فضا ← تحقق فضای جمعى زمان ↔ مکان ذهنیت ← عینیت 
میشل فوکو	فضا، قدرت و مقاومت	جامعه انضباطى فهم روابط اجتماعى در فضا	قدرت ← فضا ← روابط اجتماعى ^۱ ↑ مکان ^۲ → زمان مجموعه‌ای از عاملان ^۳ ، مباحثات و تعاملات ^۴ و رویه‌ها در فضا وجود دارند که به پرورش جامعه و حکومت‌مندی ^۵ فضا می‌انجامد
یورگن هابرماس	فضای عمومى	کنش ارتباطى	فضای عارى از قدرت کشف هنجارهای عام و مشروعیت عقلانى و حاکم کردن خرد جمعى عدم نقش مستقیم و دخالت آمیز دولت و ساختارهای قدرت
پیر بوردیو	فضای اجتماعى	فرایندى تکوینى-تاریخى	ساختارهای عینى جامعه ← رفتار ← واقعیت اجتماعى غلبه بر دو گانه انگارى ساختارى و عاملیت ساختار-فرد-جامعه
دیوید هاروی	مفهومى تعاملی و کنشى	اقتصاد سیاسى شهر متریالیسم تاریخى-جغرافیایی	فرآیندهای اجتماعى ↔ فرم‌های فضایی تأکید بر نقش کنشگران محلی در تعیین فضا شبکه‌ای از کنش‌های فضایی در بستر تاریخ
آنتونی گیدنز	بستر وجودى تعامل اجتماعى	اکولوژى اجتماعى	↑ ساخت اجتماعى ↔ ساخت فیزیکی ↑ زمان ^۶ ↔ مکان تبیین دوگانگی ساختار و عاملیت جامعه هم ساختار است و هم کنش نظام طبقاتی، مرکزیت، محیط، تعامل

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۱ قدرت پارامتری است که در مکان‌های مختلف و زمان‌های گوناگون توسط افراد، نهادها، سازمان‌ها ظهور می‌یابد و ماهیت فضا و روابط اجتماعى آن را تحت تاثیر قرار میدهد فونت‌ها یک دست شود

۲ برخلاف گیدنز، فوکو تاکید را بر مکان قرار میدهد تا زمان.

3 Practitioner

4 Discourse

5 Governmentality

۶ شهر به عنوان یک فرآیند اجتماعى در قالب فضا و مکان مطرح می‌شود که خصایص اجتماعى و فرهنگى آن نقش مهم تری نسبت به شرایط فیزیکی و کالبدی اش دارد

۷ گیدنز اولویت را به زمان در مقابل مکان میدهد.

شناسایی عوامل تأثیرگذار بر حضور و مشارکت زنان در فضای شهری از منظر حق به شهر ۹۹/

با توجه به آن چه که گذشت و با الهام از اندیشه‌های فوکو می‌توان گفت، مجموعه‌ای از عاملان، مباحث و تعاملات و رویه‌ها در فضا وجود دارند که ساخت فضا را شکل می‌دهند. بر اساس الگوی ساخت یافته فضا است که تعاملات و روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و بر این اساس افراد مختلف در فضا حضور می‌یابند و به انجام فعالیت می‌پردازند. به این ترتیب مشارکت افراد در فضا تحت تأثیر نیروهای پنهان تأثیرگذار بر فضا و عامل قدرت خواهد بود. قدرت مقوله‌ای است چند بعدی که در اینجا ناشی از فرهنگ، باور، شیوه مدیریت و کنترل فضا، نحوه حضور افراد و ایدئولوژی می‌باشد. هنگامی که صحبت از قدرت و سلطه مردانه در فضای شهری می‌شود، مقصود فرایندهایی است که بر حضور و مشارکت زنان در فضا تأثیرگذار است. حضور نه به معنای حضور فیزیکی صرف بلکه به معنای آن چه که لوفور بازتولید فضا می‌نامد است. نقش‌پذیری، آزادی رفتار، دل‌بستگی مکانی، مطلوبیت و از همه مهم‌تر مشارکت فعال در فضا همگی مصادیق فضاهای عاری از قدرت و سلطه مردانه می‌باشد.

مشارکت در فضای عمومی از دو بعد قابل طرح است. یک بعد آن آزادی سیاسی است که مربوط به ساختار و نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری جامعه است که در سطح کلان می‌گنجد. بعد دیگر به مقوله حضور و فعالیت در فضا بازمی‌گردد. یعنی اینکه هنگام حضور در فضا انسان‌ها احساس هویت داشته باشند و از آن گذشته بتوانند بدون محدودیت حضور یابند. از این روی فضا باید به گونه‌ای طراحی شود که پذیرای طیف‌های مختلف افراد جامعه (پیر و جوان، مجرد و متأهل، غمگین و شاد) و در عین حال در زمان‌های مختلف و بدون محدودیت باشد. حضور افراد مختلف در یک فضای واحد در ابتدا تحت تأثیر مقوله قدرت خواهد بود. تنوع گروه‌ها سبب می‌شود تأثیر این عامل کم شود. در صورتی که بتوان مشارکت فعال همه ذی‌نفعان را داشت، می‌توان به نیازهای مختلف پاسخ داد و در نتیجه حق به شهر تحقق می‌یابد. بر این اساس می‌توان گفت حق به شهر تحت تأثیر دو عامل خواهد بود: "عوامل ترغیب‌کننده" و "عوامل کنترل‌کننده".

بر این اساس می‌توان راجع به اینکه حق به شهر تحت تأثیر عوامل کنترل‌کننده شکل می‌گیرد یا عوامل ترغیب‌کننده؟ آیا سطح کلان بیشتر تأثیرگذار است یا سطح خرد؟ به عبارتی دیگر آیا نیازها، سبک زندگی، ارتباطات، ایده‌ها، باورها و عوامل بیرونی (در ارتباط با جهان بیرون) بر رضایت افراد از حضور در فضا و حق به شهر تأثیر دارد یا کالبد، دسترسی، امکانات و سایر عوامل سطح خرد (نیازهای مقطعی). بر اساس مطالبی که مطرح شد فرضیات تحقیق به موارد ذیل می‌پردازد.

- بین گروه‌های سنی و احساس مشارکت و حق به شهر ارتباط معناداری وجود دارد.
- وضعیت تأهل بانوان بر احساس مشارکت و حق به شهر تأثیرگذار است.
- میزان تحصیلات بانوان بر احساس مشارکت و حق به شهر تأثیرگذار است.
- مدت سکونت بانوان بر رضایتمندی و تمایل به استفاده از فضاهای عمومی و عدالت جنسیتی تأثیرگذار است.

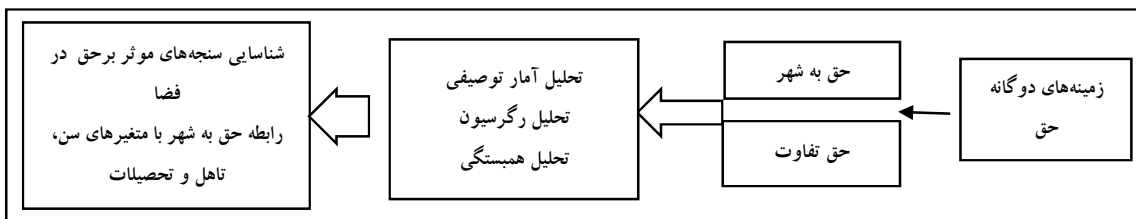
روش پژوهش

از نظر پارادایمیک پژوهش حاضر انتقادی است. نوع تحقیق کاربردی باهدف توصیف و تفهیم است. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده و از طریق کمی سازی داده‌های کیفی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. برای سنجش میزان تک‌بعدی بودن نگرش‌ها، عقاید و ... از شاخص آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. مقدار محاسبه شده این شاخص ۰٫۸۴۲ است. بنابراین این پرسشنامه پایایی لازم را دارد. همچنین روایی تحقیق نیز با نظر متخصصین و اساتید و همچنین از طریق پیش‌آزمون تأیید شد. برای سنجش عوامل مؤثر احساس مشارکت و حق به شهر و همچنین ارتباط میان متغیرهای مستقل سن، تحصیلات و تأهل بر احساس مشارکت و حق به شهر از تحلیل مسیر و ضریب همبستگی کندانال بهره برده شده است. به دلیل پنهان (مکنون) بودن متغیرهای

پژوهش، برای بررسی عوامل مؤثر احساس مشارکت و حق به شهر از روش تحلیل مسیر استفاده می‌کنیم. روش‌های معمول آماری معمولاً برای متغیرهای آشکار که به صورت مستقیم اندازه‌گیری می‌شوند مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این پژوهش با متغیرهایی سروکار داریم که به صورت غیرمستقیم و با استفاده از چند گویه اندازه‌گیری شده‌اند. تحلیل مسیر تکنیکی برای بررسی ارتباط و وابستگی میان متغیرها است. در تحلیل مسیر از انواع تکنیک‌های رگرسیون چندگانه، تحلیل عاملی، همبستگی چندمتغیره و تحلیل‌های واریانس و کوواریانس چندگانه مانند MANOVA, ANOVA, ANCOVA استفاده می‌شود. از آنجا که تحلیل مسیر از روش‌های مبتنی بر رگرسیون چندگانه استفاده می‌کند، می‌تواند به‌عنوان نوعی از مدل معادلات ساختاری محسوب شود.

پرسشنامه‌ها به صورت ساخت یافته و بسته می‌باشد. جامعه تحقیق کلیه زنان ساکن در منطقه ۲۲ شهر تهران است. نمونه تحقیق شامل ۳۸۴ عضو می‌باشد که به تعداد برابر از میان پلاک‌های زوج و فرد و به روش تصادفی در نواحی چهارگانه منطقه ۲۲ شهر تهران تکمیل شده‌اند. منطقه ۲۲ به این دلیل انتخاب شد که ساختار فضایی چندپاره دارد و دربردارنده فعالیت‌های کلان فرا منطقه‌ای متعددی است. عملاً منطقه ۲۲ به چند فضای متفاوت تفکیک شده است که می‌تواند تفکیک‌های فضایی مشخصی را مشاهده نمود. فرایند تحقیق بدین شرح است که سؤالات پرسشنامه متناسب با دو بعد حق شامل حق به شهر و حق تفاوت در نظر گرفته شده‌اند. لازم به توضیح است، این سؤالات در این دو قالب قابل تفکیک است اما از نظر فلسفی و مفهوم تبیین‌کننده این دو مفهوم نمی‌باشد. زیرا اولاً، وسعت و عمق مفاهیم حق به شهر و حق تفاوت بسیار ژرف و نیازمند مصاحبه عمیق با نظریه‌پردازان است. دوم اینکه، مأموریت این تحقیق الزام‌پذیری حضور زنان در جامعه از منظر حق به شهر است و نه سنجش میزان حق به شهر و حق تفاوت در فضای شهری. به عبارتی دیگر، سنجه‌های حق به شهر بیشتر انتظارات و الزامات حضور زنان را پوشش می‌دهد و سنجه‌های حق تفاوت پاسخگویی زنان به گستره وسیعی از شرایط بانوان را مورد بررسی قرار می‌دهد. در واقع دو سؤال مورد توجه قرار گرفته است. آیا عامل قدرت چگونه بر حضور و مشارکت زنان تأثیرگذار بوده است (الزامات حضور زنان در فضای عمومی در چه مؤلفه‌هایی نهفته است)؟

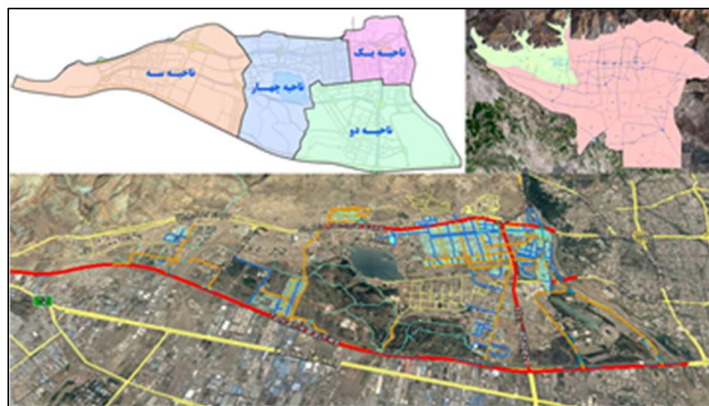
آیا ساخت اجتماعی فضا به گونه‌ای است که تنوع حضور اقشار مختلف و ویژگی‌ها و شرایط مختلف را دارا باشد و یا محدودیت در حضور و آموشدن زنان در فضا مشاهده می‌شود؟



شکل ۲- مدل مفهومی تحقیق

منطقه ۲۲ شهر تهران، واقع در شمال غربی شهر تهران با وسعتی حدود ۶۰۰۰ هکتار محدوده شهری و ۳۰ هزار هکتار حریم است. این منطقه به دلیل ویژگی‌های خاص طبیعی و موقعیت خود در پهنه پایتخت، به‌عنوان منطقه‌ای مستعد قطب‌گردشگری شناخته شده و چشم‌انداز آینده آن بر این اساس استوار شده است (پرتال شهرداری منطقه ۲۲). ویژگی بارز این منطقه در اسناد توسعه‌ای، که آن را منطقه‌ای با خصیصه فراگیری اجتماعی و فضایی معرفی می‌کند از یک طرف و تنوع گروه‌های اجتماعی و فرهنگی از طرف دیگر باعث گردید این منطقه برای پژوهش انتخاب شود.

دقت شود دو روش آماری "همبستگی کندال" و "مدل معادلات ساختاری" که در این مقاله برای تحلیل اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته‌اند، پیش‌نیاز نرمال بودن داده‌ها را ندارند.



شکل ۳ - موقعیت منطقه ۲۲ در شهر تهران

یافته‌های پژوهش

برای سنجش معناداری اثر مؤلفه‌ها از ضرایب رگرسیون^۲ استفاده می‌کنیم. جدول زیر مربوط به ضرایب رگرسیون برآورد شده است. ستون اول (برآورد) مربوط به ضرایب استاندارد نشده رگرسیون است. ستون دوم نیز خطای استاندارد ضریب رگرسیون را نشان می‌دهد. با استفاده از دو مقدار برآورد^۳ و خطای استاندارد می‌توان یک فاصله اطمینان برای ضریب رگرسیون ساخت. شاخص C.R.^۴ از تقسیم مقدار برآورد بر S.E. به دست می‌آید. از این شاخص برای آزمون فرض پارامتر استفاده می‌شود. آزمون فرض ما به صورت زیر است:

$$\begin{cases} H_0: \beta = 0 \\ H_1: \beta \neq 0 \end{cases}$$

در اینجا منظور از β ضریب رگرسیون یا برآورد است. بر اساس مقدار احتمال معناداری (p) هرکجا که این مقدار بیش از ۰۰۰۵ بود، اثر مؤلفه معنادار نبوده و باید از مدل خارج شود. با توجه به جدول ۲ در تمام موارد فرض صفر رد شده و ضرایب رگرسیون معنادار هستند. ستون ST^۵، مربوط به ضرایب رگرسیون استاندارد شده است.^۶ با استاندارد کردن ضرایب رگرسیون، این ضرایب مستقل از واحد اندازه‌گیری خود شده و امکان مقایسه بین آن‌ها میسر می‌گردد.

2 Regression Weights
3 estimate
4 critical ratio
5 ST: Standardize

۶دقت شود ستون ST ماحصل تجلیلی جداگانه است که نتایج آن در یک جدول واحد نمایش داده شده است.

جدول ۲- میزان تأثیر سنجها

سؤال	گزاره	برآورد	S.E. ^۱	C.R. ^۲	(p_value)	ST
سؤال ۱	فضاهای ویژه‌ی زنان	.۶۱۰	.۱۱۷	۵,۲۲۹	***	.۳۲۷
سؤال ۲	آموزش و فرهنگ‌سازی	۱,۱۲۵	.۱۲۰	۹,۳۵۳	***	.۶۵۶
سؤال ۳	تنوع حضور افراد باهدف گذران اوقات فراغت	.۷۸۲	.۰۹۳	۸,۴۰۱	***	.۵۰۳
سؤال ۴	وجود امکانات ویژه زنان در فضا	.۹۳۲	.۰۹۷	۹,۵۹۴	***	.۵۹۳
سؤال ۵	آزادی دررفت و آمد	۱,۰۵۵	.۱۰۷	۹,۸۷۴	***	.۶۱۹
سؤال ۶	آزادی در پوشش عرف	۱,۰۹۸	.۱۱۱	۹,۹۰۹	***	.۶۲۷
سؤال ۷	تنوع شرایط	.۹۳۱	.۰۹۶	۹,۶۷۸	***	.۵۹۹
سؤال ۸	تعامل‌پذیری	.۹۸۱	.۰۹۵	۱۰,۲۸۷	***	.۶۵۱
سؤال ۹	روشنایی	۱,۱۲۲	.۱۰۰	۱۱,۲۱۶	***	.۷۰۷
سؤال ۱۰	مکان‌یابی مناسب	.۸۳۸	.۰۹۱	۹,۱۹۱	***	.۵۴۳
سؤال ۱۱	کیفیت امکانات	۱,۰۰۵	.۱۰۸	۹,۰۷۱	***	.۵۸۲
سؤال ۱۲	ورودی‌های فضا	.۸۸۴	.۰۹۸	۸,۹۹۵	***	.۵۲۶
سؤال ۱۳	تنوع حمل‌ونقل عمومی	.۹۰۸	.۰۹۵	۹,۵۶۷	***	.۵۶۴
سؤال ۱۴	تنوع حضور افراد(باهدف ورزشی)	.۸۷۷	.۰۹۸	۸,۹۸۶	***	.۵۶۵
سؤال ۱۵	تنوع حضور افراد(باهدف خرید)	۱,۰۷۲	.۰۹۶	۱۱,۱۵۴	***	.۶۸۴
سؤال ۱۶	تنوع فعالیت‌ها و مراکز	۱,۰۴۶	.۰۹۴	۱۱,۱۶۹	***	.۶۸۶
سؤال ۱۷	تنوع زمانی	.۹۶۶	.۰۹۴	۱۰,۳۳۲	***	.۶۲۳
سؤال ۱۸	حمل‌ونقل عمومی ویژه‌ی زنان	۱,۰۵۵	.۱۱۰	۹,۵۹۷	***	.۶۲۱
سؤال ۱۹	طراحی مناسب	۱,۰۶۱	.۱۱۰	۹,۶۳۴	***	.۶۴۳
سؤال ۲۰	مزاحمت	۱,۰۲۷	.۱۰۹	۹,۴۴۳	***	.۶۳۵
سؤال ۲۱	تنوع حضور افراد(باهدف عبوری)	۱,۰۰۷	.۱۱۵	۹,۳۳۶	***	.۶۴۲
سؤال ۲۲	پیاده‌مداری	.۸۶۰	.۱۰۱	۸,۵۴۳	***	.۵۶۳
سؤال ۲۳	امنیت	۱,۰۷۹	.۱۰۸	۱۰,۰۰۲	***	.۷۰۳

در دومین گام و در تحلیل همبستگی کندال به بررسی رابطه بین مشخصات فردی افراد با سؤالات مربوط به احساس مشارکت و حق به شهر خواهیم پرداخت. دلیل استفاده از این آزمون همبستگی، وجود متغیرهای اسمی و رتبه‌ای است. در بررسی‌های نظری اشاره شد که عموماً تخصیص و استفاده از فضاهای عمومی تجربه‌ای است که برای تمامی افراد یکسان نیست زیرا متغیرهایی نظیر سن، جنس، گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌های قومی و نژادی بر چگونگی درک و استفاده از فضاهای شهری تأثیرگذارند. در این بخش به دنبال یافتن این تفاوت‌ها هستیم.

¹ Standard Error

² Critical Ratio

شناسایی عوامل تأثیرگذار بر حضور و مشارکت زنان در فضای شهری از منظر حق به شهر / ۱۰۳

اولین فرضیه معناداری ارتباط سن زنان بر احساس مشارکت و حق به شهر را بررسی می‌نماید. در جدول ۳ به همبستگی بین متغیر سن با سنج‌های پژوهش می‌پردازیم. تنها همبستگی متغیرهایی باهم معنادار است که مقدار احتمال معناداری ضریب همبستگی آن‌ها کمتر از ۰,۰۵ باشد. همبستگی منفی به معنی رابطه معکوس دو متغیر و همبستگی مثبت نشانه رابطه مستقیم دو متغیر است.

جدول ۳- ارتباط سن زنان بر احساس مشارکت و حق به شهر

شماره سؤال	نام سنجه	ضریب همبستگی	احتمال معناداری
۶	آزادی در پوشش عرف	۰,۱۱۱	۰,۰۰۶
۱۷	تنوع زمانی	۰,۰۸۱	۰,۰۴۲
۱۸	حمل و نقل عمومی ویژه زنان	۰,۰۹۵	۰,۰۱۸

دومین فرضیه وضعیت تأهل زنان بر احساس مشارکت و حق به شهر تأثیرگذار است. جدول ۴ بررسی همبستگی بین متغیر وضعیت تأهل با سنج‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴- ارتباط وضعیت تأهل زنان بر احساس مشارکت و حق به شهر

شماره سؤال	نام سنجه	احتمال معناداری	ضریب همبستگی
۴	وجود امکانات ویژه زنان در فضا	۰,۰۴۱	۰,۱۰۲
۹	روشنایی	۰,۰۰۵	۰,۱۴۰
۱۲	ورودی‌های فضا	۰,۰۰۱	۰,۱۲۷
۱۴	تنوع حضور افراد (باهدف ورزشی)	۰,۰۱۵	۰,۱۲۱
۱۵	تنوع حضور افراد (باهدف خرید)	۰,۰۳۴	۰,۱۰۵
۱۹	طراحی مناسب	۰,۰۲۷	۰,۱۱۰

فرضیه سوم به بررسی تأثیر تحصیلات زنان بر احساس مشارکت و حق به شهر می‌پردازد. نتایج تحلیل نشان می‌دهد تنها ۵ سنجه با این متغیر ارتباط معناداری دارد (جدول ۵).

جدول ۵- ارتباط وضعیت تحصیلات زنان بر احساس مشارکت و حق به شهر

شماره سؤال	نام سنجه	احتمال معناداری	ضریب همبستگی
۷	تنوع شرایط	۰,۰۳۵	*-۰,۰۹۹
۱۰	مکان‌یابی مناسب	۰,۰۴۵	*-۰,۰۹۳
۱۸	حمل و نقل عمومی ویژه زنان	۰,۰۰۱	*-۰,۱۲۱
۲۰	مزاحمت	۰,۰۳۸	*-۰,۰۹۷
۲۱	تنوع حضور افراد (باهدف عبوری)	۰,۰۱۱	*-۰,۱۱۹

فرضیه فرعی چهارم: مدت سکونت زنان بر رضایتمندی و تمایل به استفاده از فضاهای عمومی و عدالت جنسیتی تأثیرگذار است. بر این اساس مشخص شد چهار متغیر فضاهای ویژه زنان، آموزش و فرهنگ‌سازی، آزادی در رفت و آمد و پیاده‌مداری ارتباط معناداری با مدت اقامت در فضا دارند (جدول ۶).

جدول ۶- ارتباط مدت سکونت بانوان بر احساس مشارکت و حق به شهر

شماره سؤال	نام سنجه	احتمال معناداری	ضریب همبستگی
۱	فضاهای ویژه زنان	۰,۰۰۸	.۱۲۱**
۲	آموزش و فرهنگ سازی	۰,۰۱۷	-.۱۱۱*
۵	آزادی در رفت و آمد	۰,۰۰۴	-.۰۹۵*
۲۲	پیاده مداری	۰,۰۰۸	.۱۲۱**

** نشان دهنده معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و * معناداری در سطح اطمینان ۹۰ درصد است.

تجزیه و تحلیل

گام اول: در ابتدا بحث به تفسیر سنجه‌های مؤثر بر حق به شهر و حق تفاوت پرداخته می‌شود. بر این اساس از میانگین وزنی بر اساس ضرایب رگرسیونی محاسبه شده استفاده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد امتیاز شاخص‌های تبیین کننده مفهوم حق به شهر بیشتر از شاخص‌های تبیین کننده مفهوم حق تفاوت می‌باشند (۰,۶۲ در مقابل ۰,۵۸). بنابراین در کل می‌توان گفت الزامات حضور و مشارکت زنان آورده شده است تأثیر بالاتری در مقابل مواردی که تحت عنوان تنوع حضور و مشارکت آورده شده است دارند. بررسی انحراف معیار امتیازات مربوط به این دودسته نیز نشان می‌دهد، انحراف معیار سؤالات مربوط به حق به شهر پایین تر از سؤالات حق تفاوت است (۰,۰۵۷ در مقابل ۰,۰۹۷). بنابراین نقطه نظرات زنان در سنجه‌های مربوط به حق به شهر همگرا تر است. این امر بیانگر اهمیت تحقق الزامات حضور و مشارکت زنان به شهر در فضای شهری از منظر زنان است. به عبارتی دیگر زنان هم عقیده هستند که ضعف در الزامات حضورشان در فضا را بیان نموده‌اند و معتقدند برای احقاق حقوقشان باید روشنایی، امنیت، آموزش و فرهنگ سازی، طراحی مناسب، رفع مزاحمت‌ها، آزادی در پوشش عرف، آزادی در رفت و آمد، وجود امکانات ویژه زنان در فضا، کیفیت امکانات، مکان‌یابی مناسب و ورودی‌های فضا به ترتیب در اولویت توجه قرار گیرد.

گام دوم: در بررسی توصیفی سؤالات پرسشنامه، تا حدی به محدودیت‌های ایجاد شده در این زمینه پی خواهیم برد. در بیشتر سؤالات، زنان پاسخگو به این موضوع اذعان کرده‌اند که برای حضور در فضاهای عمومی محدودیت‌های جدی مواجه هستند. بررسی ارتباط میان سنجه‌های مورد پرسش با احساس حق به شهر و مشارکت زنان نشان می‌دهد سؤالات ۱ و ۳ (تنوع حضور افراد باهدف گذران اوقات فراغت، فضاهای ویژه زمان) کم‌ترین تأثیر را دارند. بنابراین می‌توان گفت باوجود فضاهای ویژه زنان، هرچند حجم مراجعین قابل توجهی را دارا است- اما زنان حقوق خود را نه در فضاهای زنانه بلکه در عرصه‌های عمومی می‌جویند. درواقع درک ایشان این است که عرصه‌های عمومی باید عاری از تسلط مردانه باشد و بتواند حضور و کنش زنان را هم‌سطح مردان ایجاب نماید. در توجیه امتیاز پایین کسب شده برای هدف حضور در فضاها باهدف گذران اوقات فراغت، باید گفت، ساختار فرهنگی جامعه ما به گونه‌ای است که پارک‌ها و فضاهای تفریحی عمدتاً محل مراجعه مردان و پسران، خانواده‌ها، کودکان به همراه سرپرست شان است. بنابراین عمدتاً حضور زنان باهدف گذران اوقات فراغت در عرصه‌های تفریحی کمتر مشاهده می‌شود و در مواردی هم که چنین حضوری ذکر شده است غالباً به صورت محدود و در پارک‌های محلی بوده است. از سویی دیگر همان‌طور که گفته شد، از منظر بانوان حضور در عرصه‌های خرید خود به عنوان یک نوع گذران اوقات فراغت تلقی می‌شود.

ادر مناقشات حق به شهر امروزه این بحث بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این بحث که اساساً وجود فضاهای زنانه هرچند پاسخگوی نیاز بانوان است اما نمی‌تواند مصادیق حق به شهر باشد. چراکه عرصه‌های عمومی همچنان فضای قدرت نمایی مردان و گروه‌های اجتماعی ویژه ای است. حتی در برخی از موارد این امر را به عنوان نوعی به حاشیه راندن زنان از عرصه‌های عمومی تلقی نموده‌اند.

شناسایی عوامل تأثیرگذار بر حضور و مشارکت زنان در فضای شهری از منظر حق به شهر / ۱۰۵
از سویی دیگر، سؤالات ۹، ۲۳، ۱۶ و ۱۵ به ترتیب بیشترین تأثیر را در حق به شهر و احساس مشارکت افراد دارا است. این
سنجه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:

تنوع فعالیت‌های جاری در فضا، امنیت، روشنایی مناسب فضا در شب و عدم وجود فضاهای پنهان، تنوع حضور افراد (باهداف
خرید)

نظر پاسخ‌گویان در مورد گزاره "تنوع فعالیت‌ها و مراکز" بدین شرح بود که حدود ۴۲،۵ درصد از پاسخ‌گویان تنوع کم و
خیلی کم، ۳۴ درصد گزینه متوسط و تنها ۲۳،۵ درصد گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را اظهار داشته‌اند. این امر نشان می‌دهد
انتظارات بانوان از تنوع در فضا به‌خوبی پاسخ داده نشده است. بنابراین ضرورت ایجاد فضاهای چند عملکردی، تنوع‌بخشی به فضا
و ایجاد فعالیت‌های مختلف در فضا محسوس است.

در مورد عامل امنیت فضا ۵۰،۴ درصد از زنان امنیت موجود در فضا را برای حضور فعال و بی‌دغدغه آن‌ها به‌عنوان یکی از
معیارهای حق به شهر در سطحی پایین ارزیابی نموده‌اند. تنها ۱۵،۵ درصد از پرسش‌شوندگان وضعیتی مطلوب (گزینه‌های زیاد و
خیلی زیاد) را بیان کرده‌اند. بررسی ابعاد امنیت در فضا نشان می‌دهد که نیاز به تقویت امنیت هم از منظر نظارت نهادی و
کنترل‌های اجتماعی می‌تواند گام مهمی در این زمینه باشد. اهمیت این امر از نظر زنان به‌گونه‌ای است که در برخی موارد اظهار شده
است که احساس می‌کنند فضای شهری بدون هیچ‌گونه قانون و نظارتی برای دفاع از حضور زنان می‌باشد. به‌گونه‌ای که زمینه‌های
شدیدی برای ارتکاب به جرم و مزاحمت‌های خیابانی به‌خصوص برای زنان وجود دارد. بر اساس نتایج بررسی‌های صورت گرفته،
وجود عامل امنیت در شب بیش‌ازپیش مورد تردید قرار گرفته است. به‌گونه‌ای که ۷۸،۸ درصد از زنان روشنایی موجود در فضا در
هنگام شب را در حد متوسط یا نامطلوب ارزیابی نموده‌اند.

یکی از مؤلفه‌هایی که مورد پرسش قرار گرفت هدف افراد از حضور در فضای شهری بود. برای این منظور اهداف مختلفی
شامل ورزش، خرید، گذران اوقات فراغت و گذری مورد پرسش قرار گرفت. در این بین گذران اوقات فراغت کم‌ترین و خرید
بیشترین جذابیت را از منظر بانوان داشت به‌گونه‌ای که این عامل چهارمین رتبه را از نظر امتیاز کسب نمود. هرچند چنین فضاهای
عمومی به‌عنوان یک عامل مؤثر در مشارکت زنان در فضا و به‌عنوان یکی از حقوق ایشان تلقی شده است اما برداشت زنان از
وجود فضاهای خرید در منطقه ۲۲ نشان می‌دهد که حدود ۴۰،۴ درصد از ایشان منطقه محل سکونت خود را از نظر برخورداری از
چنین فضاهایی نامطلوب ارزیابی نموده‌اند. وجود فضاهای مردانه، دسترسی نامناسب، عدم وجود بازارچه‌های محلی مکفی و پراکنده
بودن مراکز فروش از مهم‌ترین مواردی است که در ارزیابی پاسخ‌گویان بدان اشاره داشته‌اند. از سویی دیگر حدود ۳۵،۷ درصد
نیز این سنجه را مطلوب ارزیابی داشته‌اند. وجود مگا مال‌ها، مراکز خرید بزرگ، پاساژها که هم‌زمان خرید و فراغت را میسر
می‌سازد از مواردی بود که در توجیه مطلوبیت این فضاها بیان شد. به‌وضوح مشخص است که هدف زنان از خرید نیز به‌خودی‌خود
متفاوت است. از این‌روی ضرورت دارد در کنار وجود فروشگاه‌های محلی برای خرید مایحتاج، خرده‌فروشی‌ها پاساژها، بزرگ
بازارها و هایپرمارکت‌ها را نیز ایجاد نمود. در واقع باید بتوان الگوهای مختلف خرید را مدنظر قرارداد.

گام سوم: در این بخش ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس اطلاعات به‌دست آمده، میانگین
سن پاسخ‌گویان برابر ۳۶،۱۵ سال می‌باشد. در نتیجه با نمونه‌ای به نسبت جوان سروکار خواهیم داشت. سن جوان‌ترین فرد ۱۸ و
بزرگ‌ترین فرد نمونه ۵۹ سال بوده است. بنابراین دامنه سنی نمونه ۴۱ سال می‌باشد. واریانس نمونه برابر ۱۲۹،۷ و انحراف معیار
برابر ۱۱،۳۸ می‌باشد. بر اساس ضرایب همبستگی مشاهده می‌شود هرچه سن پاسخ‌گویان افزایش می‌یابد، میزان مطلوبیت افراد از
منظر مقوله پوشش، امکان حضور در زمان‌های مختلف و گرایش به استفاده حمل‌ونقل عمومی ویژه زنان افزایش می‌یابد. در واقع
می‌توان گفت جوانان محدودیت‌های رفتاری بیشتری را نسبت به افراد مسن، از نظر پوشش و زمان حضور در فضا و آمدوشد با

وسایل نقلیه عمومی احساس می‌نمایند. پس طبیعتاً از این منظر افراد جوان‌تر بیشتر فضا را یک‌طرفه و قشربندی شده احساس می‌کنند.

از نظر وضعیت تأهل حدود ۶۹ درصد متأهل ۲۹ درصد مجرد و کمتر از دو درصد نیز بیوه، مطلقه و ... بوده‌اند. با مراجعه به سنجه‌ها مشخص می‌شود که مجردها و سایرین محدودیت‌های رفتاری کمتری نسبت به متأهلین احساس می‌نمایند. به عبارتی دیگر متأهلین در مقوله‌های مربوط به وجود امکانات ویژه زنان، روشنایی، ورودی‌های مناسب، وجود عرصه‌های فعالیت ورزشی، وجود عرصه‌های خرید و طراحی فضاها متناسب با نیاز زنان ناراضی‌تری داشته و این موارد بیشتر فضاهایی مردانه دانسته‌اند و احساس می‌نمایند تعادل میان زن و مرد در این موارد وجود ندارد.

از نظر وضعیت تحصیلی حدود ۱۲ درصد افراد نمونه، تحصیلات زیر دیپلم ۲۷ درصد دیپلم، ۲۵ درصد فوق‌دیپلم و ۲۷ درصد کارشناسی و ۱۱ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. بر اساس آزمون همبستگی صورت گرفته مشخص شد که میان متغیر تحصیلات با متغیرهای تنوع شرایط، مکان‌یابی مناسب، حمل‌ونقل عمومی ویژه‌ی زنان، مزاحمت، تنوع حضور افراد (با هدف عبوری) ارتباط معناداری وجود دارد. منفی بودن ضرایب همبستگی نشان می‌دهد این ارتباط معکوس است. بنابراین هرچه سطح تحصیلات بانوان بالاتر باشد، موارد فوق بیشتر به‌عنوان دغدغه‌های فردی افراد برای حضور و مشارکت فعال در فضا مطرح می‌شود و در نتیجه این موارد محدودیت‌های بیشتری در اذهان ایشان خواهد بود.

آخرین مورد به بررسی مدت‌زمان سکونت افراد می‌پردازد. حدود ۲۶ درصد افراد کمتر از ۵ سال است که در این منطقه سکونت دارند. حدود ۲۸ درصد نیز بین ۵ تا ۱۰ سال، ۲۵ درصد بین ۱۰ تا ۱۵ سال و ۱۳ درصد بین ۱۵ تا ۲۰ سال و حدود ۸ درصد بیش از ۲۰ سال است که ساکن این منطقه هستند. بر اساس تحلیل صورت گرفته مشخص شد که چهار سنجه وجود فضاهای ویژه زنان، آموزش و فرهنگ‌سازی، آزادی در رفت و آمد و پیاده‌مداری ارتباط معناداری با متغیر مدت سکونت دارند. در این میان دو متغیر آموزش و آزادی در رفت و آمد ارتباط منفی دارند. بر این اساس هرچه سابقه حضور افراد در فضا بیشتر باشد، احساس آزادی رفت‌وآمد و نیاز به فرهنگ‌سازی عمومی کمتر به‌عنوان یک مقوله منفی در نظر ساکنان خواهد بود. درعین حال اهمیت پرداختن به فضا‌سازی ویژه زنان و پیاده‌مداری را بیشتر ارزیابی نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

روابط زنان و مردان در شهر را می‌توان با نظریه‌های قدرت و نابرابری اجتماعی تحلیل نمود. سازوکار روابط میان زن و مرد، فرایندهای قدرت و سلطه در تصمیم‌گیری و بهره‌مندی از فضا، طراحی و شیوه‌های اعمال محدودیت در فضا بر حضور، رفتار و ماهیت فضاهای عمومی شهری اثرگذار است. در واقع مردان به‌طور سنتی قدرت اقتصادی و اجتماعی بیشتری دارند و فضاها را بر اساس نیازهایشان نظم و نسق می‌دهند. به همین سبب زنان در نتیجه تأثیر این نیروهای مسلط دچار محرومیت و نابرابری فضایی شده‌اند. بدین معنا که جنسیت زنانه و مردانه، قدرت‌پذیری فضا، نقش فضا و جریان‌های مسلط و شکل‌دهنده فضا بازتولیدی از جریان مسلط نهادهای اجتماعی و فرهنگی است.

بر اساس بحث‌های نظری مشخص شد فضا یک تولید اجتماعی است. به تعبیر شیلدز (Shields 2005)، فضای سلطه یا فضای طراحان معمولاً از طریق ایجاد شباهت بر اساس تقسیم‌بندی‌های از پیش تعیین‌شده مانند جنسیت یا طبقه یا نژاد عمل می‌کند و تلاش می‌کند تفاوت‌های درونی در هریک از این مقولات را حذف نماید. برعکس فضای مقاومت، منطبق خود را بر اساس فضای افتراقی بنا و یگانگی به همراه گوناگونی را به‌جای همگون‌سازی با تقسیم به‌وسیله طبقه، نژاد و جنسیت رواج می‌دهد. هرچه تفاوت میان فکر مسلط بر اثر طراحی و عمل مردم در فضا بیشتر باشد، کارکرد فضا از مأموریت اصلی خود فاصله می‌گیرد. از

شناسایی عوامل تأثیرگذار بر حضور و مشارکت زنان در فضای شهری از منظر حق به شهر / ۱۰۷
سوئی دیگر، فضا باید به گونه‌ای باشد که ارزش‌ها، باورها و هنجارهای گروه‌های اجتماعی مختلف حاضر در فضا را تأمین نماید و عاری از سلطه و غلبه گروه یا طبقات بانفوذ بیشتر باشد.

بررسی‌های صورت گرفته نشان داد که فضای شهری به‌عنوان بستر تحقق ایده حق به شهر، متأثر از عوامل متعددی می‌باشد. موارد بررسی شده در دودسته الزامات حضور و مشارکت زنان و تنوع حضور و مشارکت زنان تقسیم شده‌اند. در این میان میانگین امتیاز سنج‌های منتسب به الزامات حضور و مشارکت بیشتر بود. این امر نشان می‌دهد از نظر زنان شروط ابتدایی حضور عاری از قدرت و تسلط مردانه در فضا همچنان برقرار نمی‌باشد. در این میان چهار سنج تنوع فعالیت‌های جاری در فضا، امنیت، روشنایی مناسب فضا در شب و عدم وجود فضاهای پنهان و وجود فضاهای خرید متنوع که پاسخگویی الگوهای مختلف خرید سنتی و مدرن باشد بیشترین امتیاز را کسب نموده‌اند. بررسی ارتباط میان متغیرهای سن، تأهل، تحصیلات و سابقه حضور در فضا نشان می‌دهد که این متغیرها بر حق به شهر و مشارکت زنان در فضا تأثیرگذار می‌باشند. با افزایش سن زنان محدودیت‌های رفتاری کمتری اظهار شد بنابراین جوانان بیش از افراد میان‌سال و مسن فضا را قشر بندی شده و مردانه احساس می‌کنند. این امر در مورد متأهلین نیز صدق می‌کند. یعنی متأهلین کمتر فضا را از منظر حق حضور و برخورداری نسبت به مجردها مناسب می‌پندارند. از نظر رابطه میان تحصیلات و حق به شهر و مشارکت زنان در فضای شهری می‌توان گفت با افزایش سطح تحصیلات، زنان بیش‌ازپیش خود را مقهور فرایندهای سلطه در فضا می‌یابند و معتقدند برابری میان زنان و مردان در فضای شهری وجود ندارد. در آخر به ارتباط میان مدت سکونت و حق به شهر و مشارکت در فضا پرداخته می‌شود. بر اساس نتایج تحلیل‌های صورت گرفته مشخص شد هرچه مدت سکونت زنان در فضا بیشتر شود، انتظارات بیشتری از فضا خواهند داشت در نتیجه بیش‌ازپیش ضرورت مداخله در فضا باهدف تحقق برابری در برخورداری و مشارکت در فضا را اذعان داشته بند.

بر اساس پرسشنامه‌های تکمیل شده ضرورت دارد عرصه‌های عمومی شهری از لحاظ معیارهای زیر نیز سازمان‌دهی شوند تا بتوانند حضور بی‌دغدغه زنان را میسر سازد.

روشنایی: روشنایی معابر در شب سبب می‌شود احساس امنیت بیشتری ایجاد شود.

امنیت: یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ذکر شده بانوان، امنیت بود. به گونه‌ای که حدود ۵۰ درصد از پاسخ‌گویان از این امر به‌عنوان یک دلیل محدود کننده حضور در فضا یاد کرده‌اند. امنیت را از دو منظر می‌توان بررسی نمود. اولین منظر به طراحی فضا با رویکرد کاهش امکان وقوع جرم، حذف فضاهای پنهان و افزایش نظارت عمومی بازمی‌گردد. دومین منظر به افزایش نظارت نهادی از سوی ارگان‌های انتظامی بازمی‌گردد.

آموزش و فرهنگ‌سازی: آموزش شهروندی و فرهنگ‌سازی در راستای احترام به حقوق زنان در عرصه‌های عمومی و رعایت شرایط خاص افراد از جمله سالمندان، کودکان، مادران باردار و همچنین بانوان می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر رضایت‌مندی زنان در فضاهای شهری داشته باشد.

وجود امکانات ویژه زنان در فضا: فضاهای شهری باید امکانات و نیازهای خاص زنان را مدنظر قرار دهند. امکان حرکت کالسکه، فضای خصوصی زنان برای نوزادان شیرخوار، فضاهای نشیمن و... از این قبیل می‌باشند.

مکان‌یابی مناسب: یکی از نکاتی که در مورد منطقه ۲۲ مطرح شد، وجود شبکه بزرگ‌راهی به‌عنوان شبکه اصلی ارتباطی منطقه است. این امر از دو بعد منفی تلقی شده است. اول اینکه شبکه بزرگ‌راهی فضا را چندپاره کرده و حس تعلق در فضا، احساس محله داشتن و فضای شهری به مفهوم سنتی آن به پایین است (البته بلندمرتبه‌سازی‌ها و شهرک‌سازی‌های دهه اخیر نیز مزید بر علت است). دوم اینکه زنان اظهار داشتند کمتر میل به استفاده از حمل‌ونقل عمومی رادارند. به دلیل محوریت حمل‌ونقل عمومی از طریق شبکه بزرگ‌راهی منطقه، زنان مجبور هستند در کنار اتوبان منتظر اتوبوس یا تاکسی باشند که این امر با ناملامتایی همراه است. مزاحمت‌های خیابانی، سرمای هوا در زمستان و تابش آفتاب در تابستان، سروصدا و باد ناشی از عبور سریع وسایل

نقلیه همگی از معضلاتی است که ذکر شده است. راه کار پیشنهادی در حل این مسئله تقویت واحد همسایگی است. فعالیت های جاذب زنان باید به صورت پراکنده در محلات مختلف مکان یابی شود به گونه ای که امکان دسترسی به آن ها برای محلات و واحدهای همسایگی مجاور بدون استفاده از شبکه بزرگ راهی مقدور باشد.

منابع و مآخذ

- توانا، سهیل، شفیعی، معصومه (۱۳۹۴). تفکیک جنسیتی در فضای شهری: مطالعه بوستان بهشت مادران تهران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۳۴.
- حبیبی، میترا، علی پور شجاعی، فرشته (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی فضاهای عمومی ویژه زنان با فضاهای عمومی شهری در میزان پاسخگویی به نیازهای بانوان: نمونه موردی پارک آب و آتش و بوستان بهشت مادران، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۰، شماره ۱، صص ۱۷-۳۰.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۹۱). از شار تا شهر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- حبیبی، سید محسن، امیری، مریم (۱۳۹۴). حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب: آنچه هست و آنچه باید باشد. پژوهش های انسان شناسی ایران، شماره ۱۰، صص ۹-۳۰.
- رضازاده، راضیه (۱۳۸۹). فضای شهری، زمینه ساز عدالت اجتماعی، بررسی موانع و عوامل مشارکت زنان در فضاهای عمومی، منظر، شماره ۷. صص ۲۸-۳۰.
- سلیمانی درجه، محمد (۱۳۹۳). آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی: بررسی مفهوم حق، پژوهشکده شورای نگهبان.
- سوندرز، پیتر (۱۳۹۴). نظریه اجتماعی و مسئله شهری، مترجم محمود شارع پور، انتشارات تیسار.
- طالبی، محمدحسین (۱۳۹۰). چالشی در مهم ترین نظریه های فلسفی غرب درباره معنای حق، حقوق تطبیقی، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۱۰۳-۱۲۲.
- گلابی، فاطمه، بوداقی، علی، علیپور، پروین (۱۳۹۴). مروری تحلیلی بر تلفیق عاملیت و ساختار در اندیشه پیر بوردیو، دو فصلنامه پژوهش های جامعه شناسی معاصر، سال چهارم، شماره ۶، صص ۱۱۷-۱۴۴.
- یورگن هابرماس (۱۳۹۳)، دگرگونی ساختاری حوزه عمومی کاوشی در باب جامعه بورژوازی، مترجم جمال محمدی، نشر افکار.
- Amir Ebrahimi, M. (2006), Conquering Enclosed Public Spaces, Cities, Vol. 23, No. 6, pp. 455-461
- Bourdieu, P. (1989), Social Space and Symbolic Power, Sociological Theory, No. 7, pp. 14-25.
- Bourdieu, P. (1990), In Other Words Essays Toward a Reflexive Sociology, Cambridge, Eng Polity Pub.
- Foucault, M. (1986), Space Knowledge and Power in Rabinow p.(ed) the Foucault Reader Harmond Sworth Penguin
- Fries, C. J. (2009), Bourdieu's Reflexive Sociology as a Theoretical Basis for Mixed Methods Research an Application to Complementary and Alternative Medicine Journal of Mixed Method Research, Vol. 3, No. 4, pp. 348-326.
- Harvey, D. (2003), The Right to the City International Journal of Urban and Regional Research, Vol. 27, No. 4, pp. 939-941.
- Harvey, D. (2012), Rebel Cities from the Right to the City to the Urban Revolution Verso Books.
- Harvey, D. (Ed.), (2005), Spaces of Neoliberalization Towards a Theory of Uneven Geographical Development, Franz Steiner Verlag, Vol. 8.
- Lefebvre, H. (1991), The Production of Space Translated by David Nicholson Smith, Blackwell Oxford and Cambridge.
- Lefebvre, H. (1996), The Right to the City Writings on Cities, pp. 63-181.
- McCann, E. J. (2002), Space Citizenship, and the Right to the City a Brief Overview Geo Journal, Vol. 58, pp. 77-79.
- Najmabadi, A. (2005), Women with Mustaches and Men without Beards Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity, Berkeley University of California pub.
- Schlosser, J. (2013), Bourdieu and Foucault a Conceptual Integration Toward an Empirical Sociology of Prisons, Criticism, Vol. 21, pp. 31-46.
- Shields, R. (2005), Lefebvre Love and Struggle Spatial Dialectics Routledge, New York